یکشنبه ۴ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۸۷
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

روحانی با تعریف‌کردن یک خواب از خاطرات سال ۹۲ رونمایی کرد؛ او می‌خواهد به سیاست برگردد؟

بازگشت به سیاست با پرواز در خواب

«با بال چپم (هر دو دستم به بال بدل شده بود) آقای خاتمی را زیر بالم گرفتم و او را بردم به بالا، به آسمان!» روحانی این خواب را روایت می‌کند تا به اینجا برسد که یک سالی طول کشیده که از فکر نام‌نویسی در انتخابات ریاست‌جمهوری، به تصمیم برای انتخابات برسد. این روایت البته روز گذشته و با فاصله‌ای ۱۱ ساله منتشر می‌شود. در این مدت البته روحانی، خاطرات و روایت‌های متفاوتی از دوران ریاست‌جمهوری خود منتشر کرده است. اما روایت او از نام‌نویسی در انتخابات ریاست‌جمهوری و خواب عجیبش بازتاب زیادی داشته است. انتشار چند وقت یک‌بار این خاطرات چند پیام دارد و آن‌هم این است که روحانی سعی دارد تا از حذف شدن خود در عرصه سیاسی جلوگیری کند، انتشار چندوقت‌یک‌بار خاطرات تا حد زیادی از حذف شدن نام او در خاطر افکار عمومی جلوگیری می‌کند، اما این سؤال وجود دارد که تلاش او برای باقی ماندن در اذهان، آیا کمکی به احیای هویت سیاسی او نیز می‌کند یا اینکه او با انبوهی از چالش‌های سیاسی که برای خود درست کرده است صرفاً باید به حفظ هویت تاریخی خود اکتفا کند.

تاریخ شفاهی ابزاری مثبت برای فهم ناگفته‌های سیاست

در میان سیاسیون ایرانی، کمتر کسی مثل مرحوم هاشمی رفسنجانی پیدا می‌شود که جزئیات و حواشی اتفاقاتی که میان سیاسیون و در جریان تصمیم‌گیری‌ها گذشته را ثبت و ضبط کند. تنظیم خاطرات دوران مسئولیت اگرچه از جانب برخی دیگر از چهره‌های سیاسی نیز صورت گرفته است، اما نقطه تمایز آنچه در خاطرات هاشمی منتشر شده، روایت روز به روز اتفاقات و بیان حواشی و پشت‌پرده‌ها به صراحت است. تاریخ شفاهی که هاشمی ارائه می‌کند اگرچه در برخی موارد دقیق نیست و گاهی نیز از جانب افراد حاضر در آن اتفاق و رویداد، تکذیب می‌شود، اما با توجه به نقش کلیدی هاشمی در سیاست ایران، او خاطراتش را ثبت کرد و از این جهت اهمیت دارد. در این بین روایتی که اخیرا از قول حسن روحانی در مورد کاندیداتوری او در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ نقل شده را می‌شود الگویی از روشی دانست که هاشمی رفسنجانی آن را انجام داده است؛ حسن روحانی بعد از پایان مسئولیت ۶۷۸روزه خود در خصوص پرونده هسته‌ای ایران (۱۴مهر ۸۲ تا ۲۴ مرداد ۸۴) روایتی را در «کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» ارائه کرده بود. علاوه براین محمدجواد ظریف نیز بعد از پایان مسئولیت در وزارت خارجه روایت‌هایی در خصوص برجام و اتفاقات آن برای به نتیجه رسیدن توافق را در کتاب‌های (پایاب شکیبایی و راز سربه مهر) ارائه کرده است. روایت سیاسیون و چهره‌های سیاسی، می‌تواند اطلاعات و جزئیات خوبی برای فهم واقعیت و پشت پرده ماجراهایی ارائه کند که در رویدادهای سیاسی رخ می‌دهد. علاوه بر این کنار هم قرار دادن خاطرات چهره‌های سیاسی، مجموعه کاملی از روایت را در اختیار عموم قرار می‌دهد که امکان بررسی صحت و سقم آن نیز وجود دارد. براین اساس اگر همه چهره‌های سیاسی ثبت خاطرات و اتفاقاتی که در دوران مسئولیت گذراندند را به صورت جدی مورد توجه قرار دهند، حتی می‌تواند در فضای سیاسی کشور نیز اثر مثبتی برجای بگذارد.

روایت شفاهی بدون سوگیری نیست اما ارزشمند است

با این وجود یکی از نقاط ضعف جدی که ارائه روایت تاریخ شفاهی دارد، این است که عموماً افراد و شخصیت‌ها، ماجرا را از زاویه نگاه خود تعریف می‌کنند و استناد کمتری به اسناد مکتوب می‌شود، درهمین راستا امکان اینکه روایت‌های ارائه‌شده، غیردقیق باشند، با توجه به گذر زمان بخشی از آن فراموش شوند و عموماً روایت‌کننده‌ها حب و بغض شخصی و سیاسی و سوگیری‌های خود را در روایت‌ها وارد کنند، وجود دارد، اما نکته مهم این است که این روایت‌ها خالی از حقیقت و واقعیت ماجرا نیستند، می‌توانند اطلاعاتی را در اختیار مخاطب قرار دهند. علاوه بر این وقتی یک رویداد یا اتفاق از جانب شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی مختلفی، روایت شود، می‌توان با کنار هم قراردادن آنها، به جزئیات دقیق و درست ماجرا رسید و روایت‌های غلط را نیز تفکیک کرد. از هر زاویه که به ماجرا نگاه شود، وجود روایت‌های شفاهی بهتر از نبود آن است، چراکه بالاخره جزئیاتی از رویدادهای سیاسی ارائه می‌دهد و اجازه مسکوت ماندن آن اتفاق در تاریخ را نمی‌دهد. روایتی که حسن روحانی در خصوص ماجرای کاندیداتوری‌اش در انتخابات مطرح کرده نیز در همین چهارچوب قرار می‌گیرد. روحانی در روایتی که به تازگی در خصوص نام‌نویسی در انتخابات ۹۲ منتشر کرده، جزئیاتی از چگونگی حمایت هاشمی و اصلاح‌طلبان از او را بیان کرده که در ادامه به بررسی این روایت می‌پردازیم.

هاشمی گفت: به هیچ وجه ثبت‌نام نمی‌کنم

«شما احتمالاً نامزد می‌شوید!» آقای هاشمی که از حرف من جا خورده بود بلافاصله گفت: «به هیچ وجه! به هیچ عنوان! در این شرایط هر کس حاضر شود نامزد شود، باید دستش را بوسید!» روحانی در بخشی از روایتی که از ماجرای کاندیداتوری‌اش در انتخابات منتشر شده، از گفت‌وگوی خود با هاشمی پیش از کاندیداتوری گفته است. او در واقع قصد دارد بگوید شرایط آنقدر پیچیده و سخت بود که حتی مرحوم هاشمی رفسنجانی نیز حاضر نبوده تا کاندید انتخابات ریاست جمهوری شود و حسن روحانی شجاعت کاندیداتوری در انتخابات را داشته است.

روحانی در روایت خود به جزئیات این گفت‌وگو در ۱۰ مرداد ۹۱ اشاره کرد و گفت: «آن روز در جمع اعضای مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص میهمان رئیس مجمع، آقای هاشمی بودیم. ایشان به من گفت یک ساعت زودتر از دیگر اعضا و همکاران بیا تا راحت‌تر سخن بگوییم. آقای هاشمی می‌خواست درباره انتخابات سال ۱۳۹۲ حرف بزند.» در همین جلسه نیز هاشمی اعلام می‌کند که قصد ندارد کاندیدا شود. روحانی اما جدی شدن کاندیداتوری در انتخابات را «به جلسه فراکسیونی از دوستان معتدلِ اصولگرا در مجمع که به شوخی و جدی به انجمن اسلامی مشهور بود و به نوعی یادآور مجمع عقلا بود» مرتبط دانست و بازهم اشاره کرد که هاشمی رفسنجانی در این جلسه، دوباره تأکید کرد: «به هیچ وجه نمی‌آیم.» اما هاشمی نهایتاً در آخرین مهلت ثبت‌نام در ۲۱ اردیبهشت ماه برای نام‌نویسی در انتخابات راهی خیابان فاطمی شد. او البته در روایتی که بعد از این در خصوص ثبت‌نامش ارائه کرد گفت: «چون قبلا به رهبری گفته بودم نمی‌آیم، صلاح نبود بدون اطلاع ایشان ثبت نام کنم.» هاشمی البته در روایت خود به این موضوع اشاره کرد که نتوانسته با رهبری تلفنی صحبت کند؛ اما به گفته خودش «با هدف رقم زدن حماسه سیاسی»، راهی وزارت کشور شد. دوسال بعد از انتخابات ۹۲ نیز گفت که نام‌نویسی او زمینه‌ساز پیروزی روحانی در انتخابات بود و گفت: «کار من در مقطع انتخابات سال ۹۲ در حد نام‌نویسی بود که دیدید چه تأثیری در کشور داشت و نتیجه‌اش انتخاب آقای روحانی بود که با انگیزه و انرژی بیشتری در حال فعالیت است.» این البته اتفاق تازه‌ای نبود، هاشمی در انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ هم اعلام کرده بود که کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری نخواهد شد، آن روزها نقل قول‌هایی مطرح می‌شد که هاشمی رفسنجانی گفته که اگر ولایتی کاندیدا شود، او کاندیدا نخواهد شد، مرحوم هاشمی، یک سال قبل از فوتش، ماجرای نام‌نویسی‌اش در انتخابات را این‌طور شرح داده بود: «برگزار کننده انتخابات دولت اصلاحات بود، استاندارها هم همه اصلاح طلب بودند، عده ای آمدند و خواهش می‌کردند از من که بیا، نیایید بعد از ما اوضاع یک جور دیگری می شود.» اما نهایتا هاشمی رفسنجانی برای نام نویسی وارد وزارت کشور شد.

گزینه اول هاشمی، ناطق نوری بود

روحانی در روایتی که از «جلسه انجمن اسلامی مجمع تشخیص» در ۴ شهریور ۹۱ ارائه می‌دهد، اشاره می‌کند که هاشمی بعد از تأکید بر اینکه نام‌نویسی نخواهد کرد، گفته: «خوب است آقای ناطق نامزد شوند.» که ناطق نوری هم در آن جلسه این‌طور پاسخ هاشمی رفسنجانی را داده و گفته: «بهترین فرد آقای روحانی است.» پس از آن در هشتم آبان ماه ۹۱ و در جریان جلسه روحانی با «سه تن از همکاران مرکز آقایان علی یونسی، محمود واعظی و رضا صالحی‌امیری» آن‌ها گزارشی از جلسه با هاشمی می‌دهند و می‌گویند: «هاشمی در محافل سیاسی دو نفر را به عنوان نامزد مطلوب معرفی می‌کند؛ حسن روحانی، ناطق نوری». آنچه در روایت روحانی مورد توجه است این است که با فرض اینکه هاشمی قصدی برای کاندیداتوری نیز نداشته، گزینه اول او برای حمایت در انتخابات ریاست جمهوری «علی‌اکبر ناطق نوری» بوده است اما از آنجا که خود او این پیشنهاد را نمی‌پذیرد، گزینه بعدی حسن روحانی است.

نگاه مثبت رهبری به کاندیداتوری روحانی

«من (هاشمی) شما (روحانی) را طرح کردم. رهبری گفتند «خواص ایشان را می‌شناسند اما مردم، نه. انسان خوش‌فکر و منظمی است اما کار زیادی می‌خواهد تا بتواند رأی بیاورد. عده‌ای هم هستند که او را تخریب می‌کنند.» روحانی در روایتش اشاره‌ای به شرح جلسه هاشمی با رهبرانقلاب در خصوص کاندیداتوری او در انتخابات کرد. جلسه‌ای که ۲۲ آذر ۹۱ برگزار شده بود و مرحوم هاشمی‌رفسنجانی نیز در شرح آن، چنین گفته بود: «من (هاشمی) گفتم نظر جریان اصلاحات روی سیدمحمد خاتمی است و محمود احمدی‌نژاد هم دنبال اسفندیار رحیم‌مشایی است.» هاشمی، همچنین گفته برخی ناطق نوری را مطرح کردند؛ اما هاشمی نظرش روی حسن روحانی بوده است؛ که رهبرانقلاب هم موضع مثبتی نسبت به روحانی گرفته و البته به این موضوع هم اشاره کردند که کار زیادی می‌خواهد تا رأی بیاورد. نکته مورد توجه این بود که در میانه سال ۹۱ رهبرانقلاب و همچنین مجموعه نظام حکمرانی دیدگاه منفی به حسن روحانی نداشته‌اند. «او را انسان خوش فکر و منظمی دانسته‌اند» و تنها ایرادی که به کاندیداتوری او در انتخابات وارد می‌کنند، این است که در میان مردم چندان شناخته‌شده نیست و احتمال رأی آوردن او کم است اما در خصوص اصل ورود او به انتخابات نگاه منفی وجود نداشت. علاوه براین مواردی مثل انتشار ویدئویی از صحبت‌های حسن روحانی در خصوص تجمع ۹ دی ۸۸ که در بخشی از آن گفته بود: «احساس مردم این بود که برای حمایت از اهل‌بیت باید در این مراسم شرکت کنند» را می‌شد از جمله مواردی دانست که حضور مؤثر روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ را فراهم کرد. این موارد را می‌شد پالس مثبت نظام حکمرانی برای حضور و کاندیداتوری روحانی دانست؛ امری که نشان می‌داد نه تنها نگاه منفی به کاندیداتوری او در انتخابات وجود نداشت، بلکه نگاه مثبتی نیز در این خصوص وجود داشت.

رادیکالیسم روحانی را به حاشیه راند

حسن روحانی، که در سال‌های ابتدایی ریاست جمهوری خود به عنوان یکی از چهره‌های کلیدی در مدیریت سیاسی و دیپلماتیک کشور شناخته می‌شد، اکنون با چالش‌های متعددی در فضای سیاسی ایران روبه‌رو است. مسیر عملکردی او، به‌ویژه در دو دوره ریاست جمهوری‌اش، به همراه تغییراتی که در رفتار و مواضعش پس از پایان دولت ایجاد شد، او را در موقعیتی متفاوت از گذشته قرار داده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که روحانی با آن مواجه است، تغییر مواضع و گرایش‌های او به سمت رادیکالیسم سیاسی، به‌ویژه در دوران تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ است. زیر سؤال بردن اعدام‌های تروریست‌های دهه ۶۰ با هدف کاهش آرای سید ابراهیم رئیسی به عنوان رقیب انتخاباتی اوج این اظهارات ساختارشکنانه بود که باب تداوم بهانه‌جویی‌های حقوق بشری علیه ایران را فراهم کرد. در این دوره، روحانی با اتخاذ مواضع تند علیه نظام، اتهاماتی سنگین و بی‌سابقه مطرح کرد که موجب ایجاد شکاف جدی میان او و بخش‌های مختلف نظام شد. این رویکرد فضای اعتماد میان او و نهادهای حاکمیتی را دچار بحران کرد. این تغییر مسیر، به‌تدریج جایگاه روحانی را در ساختار قدرت کاهش داد و او را از دایره تصمیم‌گیری در نظام دور کرد. حتی پس از پایان دولت، این فاصله همچنان ادامه داشت و در مواردی به در حاشیه رانده شدن کامل او انجامیده است.

روحانی به جایی رسید که جواب تلفن‌های هاشمی را هم نمی‌داد

ارتباط میان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی، یکی از نقاط کلیدی تاریخ سیاسی معاصر ایران است. روحانی در سال‌های اولیه فعالیت سیاسی خود به عنوان یکی از نزدیک‌ترین یاران هاشمی شناخته می‌شد و در بسیاری از تحولات مهم سیاسی کشور، از جمله در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی، نقشی فعال داشت. هاشمی رفسنجانی در انتخابات سال ۱۳۹۲ نقشی بی‌بدیل در موفقیت حسن روحانی ایفا کرد. او نه تنها در عرصه رسانه‌ای و عمومی از روحانی حمایت کرد، بلکه در جلسات و محافل خصوصی نیز برای قانع کردن نیروهای اصلاح‌طلب و جریان‌های میانه‌رو تلاش بسیاری انجام داد. حمایت هاشمی به حدی مهم بود که خودش بارها مدعی شد حمایت او، رأی روحانی را از سه درصد به بیش از ۵۰ درصد رسانده است. فارغ از صحت این ادعا، نمی‌توان تأثیر شخصیت کاریزماتیک هاشمی و جایگاه او در میان بخش‌هایی از جامعه و نخبگان سیاسی را در موفقیت روحانی نادیده گرفت. روحانی نیز در خاطراتش بارها به نقش هاشمی در شکل‌دهی به نگرش‌ها و تصمیماتش اشاره کرده و خود را دنباله‌روی اندیشه‌ها و رویکردهای هاشمی دانسته است.

با وجود پیوند عمیق میان حسن روحانی و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، این ارتباط در سال‌های پایانی زندگی هاشمی به تیرگی گرایید، تا حدی که به گفته حسین مرعشی و همچنین یاسر هاشمی، حسن روحانی در اواخر عمر مرحوم هاشمی رفسنجانی حتی تماس‌های او را پاسخ نمی‌داد. این رفتار، بازتابی از شکاف عمیقی بود که میان این دو شخصیت ایجاد شده بود. دلیل این امر را می‌توان در این فضا جست‌وجو کرد که روحانی در مسیر سیاسی خود به تدریج از سایه هاشمی خارج شد و تلاش کرد هویتی مستقل برای خود تعریف کند. او که در سال‌های اولیه ریاست جمهوری‌اش تحت تأثیر شخصیت و راهنمایی‌های هاشمی بود، در سال‌های بعدی لحن و رفتار متفاوتی اتخاذ کرد. این تغییرات، هاشمی را از روحانی دور کرد و سبب شد ارتباط میان این دو شخصیت به تدریج سرد شود.

خواب دیدم خاتمی را زیر بال چپم به آسمان می‌برم

بخشی از خاطرات حسن روحانی که در سال‌های اخیر بازتاب گسترده‌ای داشته، به خواب‌هایی مربوط می‌شود که او در مقاطع حساس سیاسی دیده است. روحانی از این خواب‌ها نه تنها به عنوان روایتی شخصی، بلکه گاهی به عنوان الهام‌بخش تصمیمات خود یاد کرده است. این جنبه از شخصیت او برای مخاطبان و تحلیلگران سیاسی جالب توجه است؛ چراکه با تصویر رسمی، عقلانی و دیپلماتیک او که در عرصه سیاست خارجی به نمایش گذاشته است، تناقضی آشکار دارد.

در متنی که از خاطرات روحانی در انتخابات ۹۲ روی پایگاه اطلاع‌رسانی او قرار گرفته، روحانی ماجرای خوابی را روایت می‌کند که به او نوید پیروزی در انتخابات را داده بود. این خواب که بیشتر شبیه روایتی کنایه‌آمیز است این‌گونه روایت می‌شود: «گرم خواب بودم. هنوز به سحر ساعتی مانده بود. خواب می‌دیدم دو بال داشتم. آماده پرواز بودم. سیدی را دیدم؛ سیدمحمد خاتمی محزون بود و در خود فرو رفته. خواستم سر صحبت را باز کنم تا او را از حزن بیرون آورم؛ بگذارید شما را ببرم به بالا، به آسمان! با بال چپم (هر دو دستم به بال بدل شده بود) آقای خاتمی را زیر بالم گرفتم و او را بردم به بالا، به آسمان! به باغی از گل‌های رنگارنگ و بسیار در افق. سید از حزن بیرون آمد. او را از آسمان به سرزمینی پر از گل بازگرداندم؛ سپس به سمت مسجدی روانه شدم. در ورودی مسجد ملخ‌های زیادی را دیدم؛ با بالم آنها را راندم. پیرمردی به من گفت حیف نیست از این بال برای دور کردن ملخ‌ها استفاده می‌کنی؟ رهایشان کن! از خواب پریدم. سحر شده بود و هوا هنوز گرگ و میش بود. شاید تا زمان نماز صبح هم هنوز فرصتی باقی مانده بود. دقیق به یاد ندارم، اما دی‌ماه ۱۳۹۱ بود.»

او یک خط بعد استنتاجش از این خواب را این‌گونه تشریح می‌کند: «یک سال از تیرماه ۱۳۹۱ تا خردادماه ۱۳۹۲ طول کشید تا از فکر نامزدی، به ریاست‌جمهوری برسم. اولین بار بود که نامزد می‌شدم، اما اولین‌بار نبود که درباره نامزدی‌ام در انتخابات ریاست‌جمهوری فکر می‌کردم.» پیش از این نیز روحانی در مقطعی حساس از مذاکرات هسته‌ای به خوابی اشاره کرده که به او در تصمیم‌گیری کمک کرده است. در حالی که انتظار می‌رود یک سیاستمدار عملگرا تصمیمات خود را بر اساس تحلیل‌های استراتژیک اتخاذ کند، این نوع روایات جنبه‌ای غیرمتعارف از شخصیت او را نشان می‌دهند. این روایت‌ها بیش از آنکه برای تثبیت موقعیت روحانی به کار آیند، به نوعی نقطه‌ضعف نیز محسوب می‌شوند؛ چراکه تصویری از دوگانگی میان منطق دیپلماتیک و اتکا به الهامات ذهنی را ارائه می‌دهند. این دوگانگی شاید بخشی از تلاش او برای برجسته کردن ابعاد انسانی شخصیتش باشد، اما برای بخشی از افکار عمومی که انتظار عقلانیت محض از رهبران سیاسی دارند، تناقضی عمیق به نظر می‌رسد.

بال و پر روحانی برای اصلاحات و خاتمی کارساز نبود

روحانی همچنین در سال‌های اخیر شاهد کاهش چشم‌گیر پایگاه اجتماعی خود بوده است. این کاهش محبوبیت، به دلایل متعددی از جمله عملکرد اقتصادی ضعیف دولت دوم او، افزایش تورم و ناکامی در تحقق وعده‌های انتخاباتی رخ داد. در انتخابات‌های اخیر، مسعود پزشکیان، از جریان اصلاح‌طلب که از حامیان اولیه روحانی بودند، مرزبندی‌های مشخصی با او انجام داده. این فاصله‌گذاری، نشان‌دهنده افت اعتماد سیاسی به روحانی در میان متحدان سابق اوست. علاوه بر این، نارضایتی عمومی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور در سال‌های پایانی دولت او، سبب شد تا پایگاه مردمی روحانی نیز به میزان قابل توجهی کاهش پیدا کند. بنابراین درحالی که روحانی مدعی است درخوابی دیده که خاتمی را زیر بال و پر گرفته و بالا می‌برد در اواخر دوران ریاست جمهوری او چهره‌های اصلاح طلب برای نیفتادن از چشم مردم و کاهش محبوبیتشان بین مردم رویکرد مرزبندی حداکثری با دولت روحانی را در پیش گرفتند. در نتیجه، روحانی نه‌تنها نتوانسته است جایگاه خود را در میان نخبگان و جریان‌های سیاسی حفظ کند، بلکه حمایت عمومی نیز از او سلب شده است. این وضعیت، توانایی او برای بازگشت به میدان سیاست به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

روحانی برای ایفا کردن نقش هاشمی از سایر رقبا عقب‌تر است

ارتباط نزدیک روحانی و هاشمی در سال‌های ابتدایی فعالیت سیاسی او یک مزیت بزرگ محسوب می‌شد، زیرا هاشمی به‌عنوان یک شخصیت محوری در عرصه سیاست ایران، نقش مهمی در معرفی و حمایت از روحانی داشت. با این حال، پس از درگذشت هاشمی، روحانی نتوانست همان موقعیت را در ساختار سیاسی کشور بازتولید کند. در فضای سیاسی کنونی، شخصیت‌هایی مانند علی لاریجانی و محمدباقر قالیباف، که توانسته‌اند تعاملات بهتری با جریان‌های مختلف سیاسی برقرار کنند، از روحانی پیشی گرفته‌اند. این افراد، به دلیل توانایی‌شان در میانجی‌گری میان جناح‌های مختلف و ایجاد ائتلاف‌های سیاسی، جایگاهی محکم‌تر و تأثیرگذارتر در نظام دارند. روحانی به دلیل مسیر رادیکالی در سال‌های آخر ریاست جمهوری‌اش، توانایی ایجاد تعامل و اعتماد میان نیروهای مختلف سیاسی با نهادهای مختلف حاکمیتی را از دست داد؛ هرچند او در ادامه سعی کرد موضع خود را تلطیف کرده و با اقداماتی همچون حضور در انتخابات مجلس خبرگان کنش سیاسی منسجمی بروز دهد اما زیاد از جانب طیف‌های مختلف سیاسی جدی گرفته نشد.

این در حالی است که لاریجانی و قالیباف، همچنان توانسته‌اند ارتباطات خود را حفظ و حتی تقویت کنند. لاریجانی، با سابقه ریاست مجلس و ارتباطات گسترده‌اش، توانسته است جایگاهی میانجی‌گرانه در فضای سیاسی ایجاد کند. قالیباف نیز با سابقه اجرایی پر و پیمان و همچنین سابقه سیاسی در شأن ریاست مجلس نفوذ قابل‌توجهی در ساختار قدرت دارد.

روحانی برای بازتعریف خود به راهبرد جدید نیاز دارد

روحانی در تلاش است تا با اقداماتی مانند انتشار خاطرات، نه‌تنها روایت خود از تاریخ را ارائه دهد، بلکه جایگاه خود را در فضای سیاسی بازتعریف کند. با این حال، رقابت در فضای سیاسی کنونی برای او چالش‌های بسیاری دارد. روحانی برای بازگشت به فضای سیاسی، نیازمند تغییراتی در استراتژی خود است. او باید بتواند با ترمیم روابط خود با جناح‌های مختلف و بازسازی پایگاه اجتماعی، نقشی مؤثر در معادلات سیاسی آینده ایفا کند. با این حال، این مسیر برای او دشوار خواهد بود. انتشار خاطرات و سایر اقدامات اخیر روحانی نشان می‌دهد که او در تلاش است تا همچنان در فضای سیاسی حضور داشته باشد. اما با وجود محدودیت‌هایی مانند رادیکالیسم گذشته، کاهش پایگاه اجتماعی و رقابت با چهره‌های قدرتمند، بازگشت به جایگاه تأثیرگذار برای او کار آسانی نخواهد بود. روحانی اگرچه همچنان یک شخصیت مهم در تاریخ سیاسی معاصر ایران است، اما باید راهی جدید برای تعریف نقش خود در آینده پیدا کند.